

به نام خالق روح و جان و زمین و گمشان ما.

شروعش سخته...

دوست دارم بادست بنویسم اما وقت زیادی بمره خط خطی میسه. دوست دارم تاریخ بزنم کنار نوشتام. ثبت کنم افراد اتفاقات فیلم ها آهنگ ها داستان ها از اول فاز منفی دادم شروعش سخته... خجالت میکشی اینطوری حرف میزنی به خب خجالت ندار با این خب سخته داشتیم کلی فکر میکردم که چی می خواستم بگم.

خب بهمنارو میخواستی...

ثبت به خطای از ذهن که یادم بمونه چیزهایی که از یاد میره و نمیره

فیلم جالبی بود

The Reader

فکر میکنی به نظرت درسته به مکه پخته دست کسی... تو که خودت خوب میدونی دوست نداری کسی بدونه.

من 18 ساله امروز ساعت 3.45 دقیقه می بامداد روز 13 بهمن ماه. از بهمن بدم میاد..

گنگور... بدترین چیز ممکن. 87 که خیلی بی قاعده بود. یه سوال با فرق کردن. عوضیا.

زانوم داره درد میکیره.. بخوابم. بنهیدار بمونم اینارو بنویسم.

ایستاده مشغول که نمیشه سرعتم کم میاد

آهنگ های مشغولین. آدم یاد کلیسای من زندگی آینده حال میفته کار و عجب کیتاری میزنن به آدم امیدوار میشه دلش میخواهه پر بکشد از خوشحالی و غم!

مثلا قرار بود روز و بلند بشم. امروز 14 بهمن 1387، استش. با دوستم رفتم بیرون کلی از گنگ باز میاشون تعریف کرد منم در حین تعریف به گنگور!

احمد آ. بچه مثبت اما کمی منحرف شده!

یعنی میدونم اما نمیدونم چیکار کنم. یعنی کجیم. توی خاطرات انکارم کم شدم.

وقتی دارم اینارو می‌نویسم بعضی‌اگرش موقع باب این فکر میکنم که نوشتن اینها ممکنه در آینده باعث ضرر من بشه. من دوست ندارم کسی بخونه اینهارو. انکار من خیلی خصوصیه که خودم در اختیار کسی نزارم حتی که مطلب مهمی نباشه و کسی بخونه من خیلی ناراحت میشم. میشه گفت اونوقت طرف توی ذهن من نفوذ کرده. که این خیلی بده. توی داستان ما این قدرت نفوذ به ذهن دیگران یک استعداد استش که توی اونجا با خیلی راحت میشه وارد ذهن یکی شه. اما توی دنیای ما اینطوری نیست. باید طرف از خودش برات حرف بزنه. باید از زیر زبانش حرف بکشی. به حالت پهرش نگاه کنی. دقت کنی وقتی حرکتی رو می‌کنه برای حرکت دوم حالت پهره اش چوری میشه. باید بعضی جاها احساساتشو حرکت کنی. باید به چشماش نگاه کنی البته بعضی موقع هانه همیشه چون ممکنه طرف حس بدی بهش دست بده و ترجیح بده صحبت نکنه. البته باز هم به فرد مقابل بستگی داره بعضی با دوست دارن تو چشماشون دل زنی. خلاصه اینکه من دوست ندارم کسی این مطالب رو بخونه مگر اینکه خودم بهش بدم. امیدوارم که دست کسی افتاد و تقدس انسانیت داشته باشه که به خواسته های من احترام بزاره. هنوز موندم چه اقدامات امنیتی برای اینکه این مطالب دست کسی نیفته و نخونن چیکار کنم. البته یک سری فکرها دارم...

حالا سبک نوشتن استعجابی تغییر میدم...

تو باید انجاش بدی. خب قاطعی کردم چوری؟

نمیدونم باید بری دنبالش قبلاً هم گفتم سعی کن.

یادته بهت گفتش به خودت اعتقاد داشته باش. تو خودت هم زیاد میگی اینو به بقیه حواست کجاست پس.

چقدر خجسته که مجبور بودی این کارو بکنی.

البته یک حس افسردگی خاصی بهت دست میده.

اینسپ خان یادته باشه. تو میتونی.

بازم شروعش سخته.

استباه کن شروع کردی باید اما کی شلی! باید محکمتر بشی بچی.

آره آره مگي بی ارادگی به خرج دادم.

اما هنوزم نمیدونم چکار کنم.

بابا فلز نذاره همون کاریو که میخوای بکنی محکم بچسب بهش و لاش نکن بیخیال هر کیو هر چیزی. خودت خودت خودت خودت. شریف! کار! دانش! کتاب کتاب.

قدرت ذهن.

بهشون نشون بده که قدرت ذهن یعنی چی.

به کی نشون بدم؟

خودت!!!

همه من که خودمو میثاسم میدونم که میتونم. اما نمیدونم!!! یعنی مطمئن نیستم.

چراخه میتونی.

چوری؟

ای خدایه عقلی به این بشه بده یک پولی هم به ما.

خب چه درکم کن من کیچم حال و روزم زیاد خوش نیست.

ای جان چشم عزیزم معذرت.

خب حالا به نظرت چکار کنم؟

به قدرت ذهن فکر کن. بهتره تو روی مادیکی از اعتقادات بنذارم مثل اینکه یادرفت

خب بگو.

یادتگیکشتی برای بابات: خدا برای اینکه به ما جان بده از روح خودش در ما مید؟ یادت اومد؟

آره آره یادم اومد.

خب بابایکلا یادت باشه که این عقیده می خودت بوده و بهش ایمان داری.

او بهوم.

قدرت ذهن قدرت روح. قدرت روحی و ذهنی که خالق از خودش بهمون داده. یعنی ما هم میتونیم. وقتی اینستین از ده درصد منفرش استفاده کرده و این شده یعنی فکر کن که از همه می ذهن استفاده بشه چی میشه! به چه درجه ای که آدم نمیره. واقعا حارق العاده است. فکر کنم اون موقع هستش که شخصیت های تخیلی توی داستان ها واقعا به وجود میان. شاید حتی با قدرت های بیشتری از اونها. قدرت ذهن.

آره.

حالا نشون بده بر من که میتونی از قدرت ذننت استفاده کنی. مثلا وقتی داری حلش می کنی یادت باشه که قبلا هم حلش کردی یادت باشه که مهم نیست حتما به خاطر یاریش یادت باشه که فررار هستن. یادت باشه که فقط خوب همون موقع یاد بگیریش. یادت باشه که خیلی ساده هستن. فقط باید به مطالب قبلی که بلدی ربطشون بدی. یادت باشه که اگر قرار بود دل نشن اصلا چینی چیزی بهتون نمیدادن. یادت باشه که قرار باز هم تکرار بشه. یادت باشه که وقتوتلف نکنی. این همون نکته ی اصلی قدرت ذهن هستش. یادت باشه که قدرت ذهن رو کتاب ها میزان. یادت باشه که ذهن ریاضیو منطق و تحیل تو رو به ارش می سوزن. این روحها یادت باشه که تو منطق و تحیل رو داری فقط میموزن ریاضیات. و در آخر یاد باشه که من با اتمم. قدرت ذهن.